



مهم‌ترین رسالت معلم

دکتر محمدطیب صحرایی

← اگر از یک خلبان بپرسید مهم‌ترین وظیفه‌اش چیست، چه جوابی خواهید شنید؟ اگر همین سؤال را از یک کشاورز، مغازه‌دار، کارگر کارخانه، کارمند بانک یا کسانی با مشاغل دیگر بپرسید، چه جواب‌هایی دریافت خواهید کرد؟ اگر افراد شناخت کاملی از شغل و کار خود نداشته باشند، چقدر موفق خواهند بود؟ اساساً موفقیت در هر شغلی چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ یکی از مهم‌ترین مباحثی که باید در مراکزی که به تربیت معلم و مربی می‌پردازند، به آن اهتمام ورزید، رسیدن به پاسخ چنین سؤالاتی است. هر معلم در مسیر زندگی خود دو گروه مخاطب را می‌تواند تحت تأثیر قرار دهد. گروه اول دانش‌آموزان و فراگیرندگان مستقیم معلم هستند و غالباً در محیط‌های متداول آموزشی و تربیتی با او در ارتباطند و گروه دوم را می‌توان اطرافیان و سایر مردمی در نظر گرفت که در هر محیط دیگری ممکن است در تعامل با معلم، دانش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی را از وی ببینند و یاد بگیرند.

بدون تردید، هر یک از همکاران گرامی می‌توانند فهرستی از مهم‌ترین رسالت‌های پیشنهادی را برای شغل و جایگاه معلمی مطرح کنند و برای پیشنهادهای خود دلایل و تجربه‌های مفصلی نیز دارند. وقتی سال‌های معلمی همکاران از عدد یک عبور می‌کند و به‌ویژه زمانی که پا در مسیر دو رقیمی شدن می‌گذارد، آن‌قدر تجربه‌های تلخ و شیرین در ذهنشان جای می‌گیرد که پاسخ‌هایشان به چنین سؤالاتی را شنیدنی و قابل تأمل می‌کند. شاید بعضی جواب‌ها رنگ و بوی آموزشی

داشته باشند و انتقال برخی دانش‌ها را مهم‌ترین رسالت معرفی کنند. احتمالاً بعضی جواب‌ها روی مهارت‌های خاصی متمرکز شوند و ارائه آن‌ها را مهم‌ترین کار معلم بشمارند. می‌توان پیش‌بینی کرد که گروهی از همکاران گرامی نیز بر مباحث پرورشی تأکید کنند و مهم‌ترین‌ها را در این حوزه مدنظر قرار دهند. یک راه و معیار برای رسیدن به پاسخ می‌تواند فراگیری تأثیر آن رسالت، بر مخاطبان باشد. عمق اثرگذاری یا ماندگاری نیز می‌تواند نکته مهم بعدی برای این منظور باشد. از دیگر راه‌های قابل استفاده برای رسیدن به مهم‌ترین وظیفه و نقش معلم، می‌تواند این باشد که انجام نشدن یا کامل نشدن آن توسط معلم و دریافت نکردن آن را توسط مخاطبان تصور کنیم. یعنی مثلاً فکر کنیم اگر معلم خوب آموزش ندهد، چه اتفاقی برای خودش و مخاطبانش خواهد افتاد؟ آیا آسیبی که به‌وجود می‌آید قابل جبران خواهد بود؟ میزان و عمق ضررهای احتمالی چقدر می‌تواند باشد؟ ...

به نظر می‌رسد، اگرچه کاستی در انجام هر بخش از وظایف و مسئولیت‌های معلمی ممکن است آسیب‌های بزرگ و سختی را به بار آورد و خود معلم و مخاطبان را دچار زحمات مادی و معنوی کند، اما آنچه خودش می‌تواند شروع انواع حرکت‌های زندگی‌بخش و اصلاحی را در همه ابعاد به دنبال داشته باشد و نبودش چه برای خود معلم و چه برای مخاطبان پایان حرکت‌ها و اقدامات مفید را در پی خواهد داشت، مفهوم و مقوله بسیار مهمی به نام «امید و انگیزه» است.

هر انسان معمولی ممکن است در زندگی خود انواعی از دانش‌ها، گرایش‌ها و مهارت‌ها را داشته باشد و برای تحقق اهداف و خواسته‌هایش به اندازه‌ای تلاش کند، اما به راحتی می‌توان دید که بیشترین توانمندی‌ها با ناامیدی و بی‌انگیزگی به شکست خواهند انجامید، حال آنکه توانمندی‌های کمتر و محدودتر با امیدواری و انگیزه واقعی (و نه خیالی) پیروزی‌های ارزشمند و افتخارات پی‌درپی را نتیجه خواهند داد. بدون امیدواری، حتی موفقیت‌های پیشین تکرار نخواهند شد، در حالی که با امید و انگیزه می‌توان از شکست‌ها پل پیروزی ساخت و اشکالات و خطاهای گذشته را جبران و اصلاح کرد. معلم اگر خدای ناکرده امید و انگیزه لازم را برای پویایی و رشد و تعالی نداشته باشد، ضمن آنکه اولین آسیب جبران‌ناپذیر را خودش خواهد دید و تداوم فعالیت زیبا و اثرگذار خود را تکرار نخواهد کرد، بدون تردید و ناخواسته پر پرواز دانش‌آموزان و شاگردان خود را خواهد برید و از عقاب‌های تیز پرواز آینده، مرغان خانگی سربه‌زیر خواهد ساخت. دانش‌آموزان ما هر اندازه فارسی، ریاضی، شیمی و حتی دین و زندگی بیاموزند، یا هر اندازه مهارت‌های فنی و هنری کسب کنند، اگر به آینده خود، جامعه و امکان اثرگذاری‌شان در جهانی که پیش رو دارند امیدوار نباشند، معمای بزرگی را حل نخواهند کرد و گره مهمی را از زندگی خود و دیگران نخواهند گشود. به عبارت دیگر، شاید بتوان گفت مهم‌ترین وظیفه معلم، به‌ویژه در شرایط کنونی جامعه ما، امیدواری واقعی خود و امیدوارسازی



مخاطبان و دانش‌آموزان است.

در سند میانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش تربیت چنین تعریف شده است: «فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیبان، به صورتی یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به‌منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد.» با تأمل دوباره در برخی کلیدواژه‌های این تعریف، مانند «زمینه‌سازی»، «تکوین و تعالی پیوسته هویت»، «نظام معیار اسلامی»، «تحقق آگاهانه و اختیاری» و «حیات طیبه»، می‌توان گفت رسیدن به

چنین اهدافی در تربیت دانش‌آموزان امروز، اساساً بدون امیدواری معلم و دانش‌آموزان ممکن نخواهد بود. معلم برای زمینه‌سازی باید سرشار از انگیزه و امید باشد و دانش‌آموزان برای تعالی پیوسته هویت خود، آن‌هم با تأکید بر آگاهانه و اختیاری بودن، باید سیراب از امید و انگیزه شوند.

ééé

آبان ماه پر از مناسبت‌های امیدبخش و انگیزه‌ساز است. آغاز امامت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نماد امیدواری واقعی همه ادیان الهی به پایان روشن و عادلانه تاریخ است. ولادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و امام صادق

(علیه السلام)، نماد وحدت جامعه اسلامی ماست و اساساً قرآن کریم را با تعالیمی مانند آیه پنجم سوره قصص یا صد و پنجم سوره انبیاء می‌توان بزرگ‌ترین کتاب امید و انگیزه برای بشر دانست.

یکی از جلوه‌های تاریخ معاصر ما مردم ایران، از امیدواری و انگیزه برای زندگی مستقل و آزاد، روز سیزدهم آبان ماه، یعنی روز دانش‌آموز و فتح لانه جاسوسی است؛ روزی که همواره می‌تواند نماد هویت‌طلبی و استقلال و آزادی خواهی باشد. با امیدواری و امیدوارسازی، پیروزی‌های گذشته تکرارهای درخشان‌تری خواهند داشت و نبض این حرکت در دستان معلم است.